توسعه ایرانی
روزنامه صبح
سیاسی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب امتیاز: موسسه اطلاع‌رسانی و خبرگزاری ایلنا
مدیرمسئول: مسعود حیدری
زیرنظر شورای سردبیری
مدیر بازرگانی و روابط عمومی: مرتضی بلوکی

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷
نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به روانمهر، پلاک ۱۳۲
تلفن تحریریه: ۶۶۹۵۶۶۰۰(۰۲۱)
نشانی سایت: toseeirani.ir
اینستاگرام: @tosee_irani
ایمیل: toseirani@gmail.com

اخبار کارگری

رئیس انجمن صنفی کارگری پرستاران:

پرستاران بخش خصوصی نمی‌توانند از بازنشستگی پیش از موعد استفاده کنند

رئیس انجمن صنفی کارگری پرستاران، بهیاران و کمک پرستاران مراکز درمانی خصوصی تهران، از اینکه پرستاران بخش خصوصی نمی‌توانند از مزایای قانون بازنشستگی مشاغل سخت استفاده کنند، انتقاد کرد. به گزارش ایلنا، مهدی همزه گفت: قانون ارتقای بهره‌وری از سال ۱۳۹۰ در بیمارستان‌ها و مراکز دولتی اجرا شده اما هنوز در بخش خصوصی اجرا نشده و با وجود پیگیری‌هایی که انجام داده‌ایم و نامه‌هایی که به بازرسی کار کل کشور و بازرسی اداره کار استان تهران ارسال کرده‌ایم و نیز مراجعاتی که بازرسان اداره کار به مراکز و موسسات درمانی داشته‌اند، متاسفانه در بسیاری از مراکز درمانی خصوصی هنوز قانون ارتقای بهره‌وری اجرا نمی‌شود و با پرستاران و نیروهایی که اجرای این قانون را مطالبه می‌کنند، به صورت شخصی رفتار می‌شود. وی افزود: این مسأله به خصوص برای پرستاران و نیروهایی که فقط در بخش خصوصی کار می‌کنند مشکلات زیادی ایجاد کرده است. این افراد باید به صورت شخصی به هیأت‌های تشخیص اداره کار مراجعه کرده و پیگیر این مطالبه باشند و پس از آن مزایای قانون کار و قانون ارتقای بهره‌وری به آنها تعلق گیرد. همزه گفت: در موضوع قانون بازنشستگی مشاغل سخت و زیان‌آور نیز رویه فعلی سازمان تامین اجتماعی به این صورت است که به صورت کلی عنوان شغلی پرستار بازنشسته نمی‌شود و در صورت درخواست یک

پرستار برای اعمال مزایای این قانون، بررسی می‌کنند که آن پرستار در چه بخشی، چه بیمارستانی و چه مرکزی کار کرده و آیا قانون سختی کار به او تعلق می‌گیرد یا خیر؟ هر چند ترکیب افرادی که این موضوع را بررسی می‌کنند هم مشخص نیست. وی افزود: قرار شد این موضوع از وزارت کار و به خصوص کمیته سختی کار آن پیگیری شود تا رویه نادرست سازمان تامین اجتماعی اصلاح شود. همزه ادامه داد: مطابق قانون عنوان شغلی پرستار مشمول سختی کار گروه الف است و بدون بررسی محل خدمت و جایگاه این موضوع باید مزایای قانون مشاغل سخت به پرستاران تعلق گیرد و کارفرمایان هم باید ۴ درصد مازاد حق بیمه برای مشاغل سخت و زیان‌آور را پرداخت کنند.

کارگران کیش چوب:

گرانی‌ها امان‌مان را بریده است

حدود ۱۲۰ کارگر در مجموعه کیش چوب که در دو بخش صنایع چوبی ساختمان و مبلمان‌سازی مشغول به کار هستند، از مهرماه سال جاری حقوقی دریافت نکرده‌اند. به گزارش ایلنا، این کارگران که هر ماه مطالبات خود را با تاخیر دریافت می‌کنند، گفتند: کارفرما مدعی است منابع مالی کافی ندارد به همین دلیل حقوق کارگران به تاخیر افتاده است. این کارگران با بیان اینکه در تامین هزینه‌های اولیه زندگی درمانده‌ایم، اظهار داشتند: در حالی که هر چند ماه یکبار بخشی از مطالبات‌مان پرداخت می‌شود، نمی‌توانیم معاش خانواده‌هایمان را تامین کنیم و گرانی امان‌مان را بریده است. این کارگران گفتند: مهم‌ترین عامل تاخیر در پرداخت حقوق، مربوط به نبود منابع درآمدی در کارخانه است. گویا در حال حاضر درآمد کارخانه در حدی نیست که پاسخگوی پرداخت حقوق کارگران باشد، به همین دلیل از همه مسئولان و نهادهای مرتبط استانی درخواست کمک و چاره‌اندیشی داریم، چرا که بیشتر از این تحمل بی‌پولی نداریم.

مرگ دو معلم بر اثر گازگرفتگی

دو معلم شاغل در شهرستان چایپاره استان آذربایجان غربی حین استراحت دچار گازگرفتگی شده و جان باختند. به گزارش ایلنا، این حادثه زمانی رخ داد که دو معلم به اسامی «فردین شیربیگ» اهل شهرستان بوکان و «امیررضا حاتمی» اهل شهرستان نقده با یک سال سابقه کار، در زمان استراحت در یک اتاق دربسته بر اثر تنفس گاز منواکسید کربن دچار گازگرفتگی می‌شوند. نشت گاز وسایل گازسوز ناایمن و بدون دودکش علت وقوع این حادثه بیان شده است.

پولی در جیب مردم و بساط صندوق‌ها برای هزینه‌های سنگین درمان نمانده است

یک بازنشسته: گوشت و مرغ نمی‌خوریم، دارو را چه کنیم؟

نسرین هزاره مقدم

«سلامتی را هم از مردم دریغ کرده‌اند». این را بازنشسته‌ای می‌گوید که ماه‌هاست درمان سرطان همسرش را رها کرده است. شیمی‌درمانی گران است، قیمت داروهای اصلی بیماری سرطان خون نجومی است و این مرد ۶۰ ساله که ۳۰ سال تمام از عمر و جوانی‌اش را در یک کارخانه تولید لوازم الکتریکی سپری کرده، آینده خود و خانواده‌اش را تیره می‌بیند: «کار به جایی رسیده که حتی داروهای تقویتی همسرم را نمی‌توانم بخرم».

این بازنشسته می‌گوید: مگر نگفتند حق اعتراض داریم؟ من به این شرایط معترضم، به این گرانی بی‌امان همه چیز. به فرض که گوشت و مرغ نخوریم، دارو و درمان را چه کنیم، چطور زنده بمانیم؟! چرا هیچ زمان صدای ما شنیده نمی‌شود؟ او بعد از ۳۰ سال کار می‌گوید «حالا در بازنشستگی هم یک شب خواب راحت ندارم».

ارز ترجیحی دارو به مویی بند است

مزدبگیران در منگنه فشارهای سنگین زندگی، از بسیاری از مواهب اولیه یک زندگی ساده محروم شده‌اند. یکی از این محرومیت‌ها که عواقب بسیار خطرناکی دارد، ناتوانی در تامین هزینه‌های دارو و درمان است. دارو و درمان اقلامی بدون جایگزین هستند که اگر نتوانی تهیه کنی، باید پیه مرگ را به تن بمالی، عزیزت مقابل چشمانت آب شود و تو دست و پا بسته، فقط تماشا کنی.

البته این اتفاق ناگوار، سرنوشت این روزهای بسیاری از بیمارانی‌ست که از طبقه کارگر و مزدبگیر هستند؛ به خصوص بازنشستگان که زیر خط فقر حقوق می‌گیرند و توان تامین هزینه‌های درمان را ندارند. بسیاری از داروهای با کیفیت از شمول بیمه‌ها خارج است، سقف پوشش بیمه‌های تکمیلی ساده پایین است و بیمار خاص بعد از چند بار مراجعه برای درمان کلینیکی و پاراکلینیکی باید همه هزینه‌ها را از جیب بدهد. این قصه امروز است اما گرانی ارز و حذف ارز ترجیحی نهاده‌های دارویی، قرار است فردای تلخ‌تری برای مزدبگیران رقم بزند.

به نظر می‌رسد احتمال حذف ارز ترجیحی دارو از بودجه سال بعد، بسیار جدی‌ست. وزیر بهداشت به تازگی با ارسال نامه‌ای به مسعود پزشکیان، درخواست کرده با توجه به تجربه اجرای ناموفق طرح‌های دارویار و تجهیزیار که در پی افزایش نرخ ارز از ۴ هزار و ۲۰۰ به ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان به اجرا درآمد و موجب افزایش پرداختی از جیب مردم شد، ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی دارو و ملزومات مصرفی پزشکی در بودجه ۱۴۰۵ حذف نشود. البته ظفرقندی پیشتر در اظهارنظری اعلام کرده بود: «ارز ترجیحی دارو از سال آینده حذف خواهد شد و وزارت بهداشت در حال آماده‌سازی برنامه‌های لازم برای مدیریت این تغییر است».

صندوق‌ها، گرانی درمان را تاب نمی‌آورند و پرداخت از جیب مردم دو تا سه برابر می‌شود. بر آیند دردناک این اوضاع این است که مزدبگیران از درمان فاصله می‌گیرند، درمان را متوقف می‌کنند و به انتظار تقدیر و مرگ می‌نشینند

گویا سرنوشت ارز ترجیحی دارو به مویی بند است؛ مسئولان بارها وعده داده‌اند که گرانی ناشی از حذف یارانه دارو از سوی صندوق‌های بیمه‌گر از جمله تامین اجتماعی جبران می‌شود اما آنچه به چشم می‌بینیم، بحران جدی صندوق‌های بازنشستگی، افزایش سهم پرداخت بازنشستگان از بیمه‌های تکمیلی، گرانی دارو و افول سطح خدمات بیمه‌گرهاست و در یک کلام، خدمات دارویی مزدبگیران رو به سقوط است.

این سقوط حتی صدای سطوح بالای تصمیم‌سازی را هم درآورده است. یک ماه پیش از این «باقرزاده» نماینده بابلسر در این رابطه با تاکید بر اینکه زنگ خطر گرانی دارو و تجهیزات پزشکی به صدا درآمده، گفت: آیا این صدا را نشنیده‌اید؟ پس چرا کاری نمی‌کنید؟ با این روندی که در بودجه سلامت امسال دیده شده، این ره به ترکستان است که می‌روید و باید منتظر اقدامات ناگوار در عرصه سلامت کشور باشیم.

اما واقعا دولت و نمایندگان مجلس نمی‌بینند که کارگران، بازنشستگان و فرودستان، درگیر «ناگوارترین اتفاق ممکن» یعنی چشم‌پوشی از درمان و زجر ناتوانی در تامین هزینه‌های سلامت هستند و نمی‌دانند حذف ارز ترجیحی دارو و گرانی دارو و درمان، این ناگواری‌ها را تا سر حد مرگ تشدید می‌کند؟

آینده تاریک پیش روی مزدبگیران

بازنشسته صنایع الکتریکی می‌گوید: «وقتی سقف بیمه تکمیلی تمام شده و من پولی در بساط ندارم، چه باید بکنم؟ چطور باید جان همسرم را نجات بدهم. به این شرایط اسفبار کجا باید اعتراض کنم؟».

آینده درمان همه مزدبگیران فوق‌العاده تیره است. متوسط حقوق بازنشستگان صندوق‌های بازنشستگی مختلف حدود ۲۰ میلیون تومان و حتی کمتر است، پس سخت نیست بفهمیم گرانی بیشتر دارو چه بلایی سر این گروه می‌آورد

اما سال آینده چه آینده‌ای در انتظار طبقه کارگر است، چشم‌انداز دارو و درمان و صندوق‌های بیمه‌گر تا چه اندازه تیره و تار است و حذف ارز ترجیحی چه عواقبی دارد؟

«علیرضا حیدری»، کارشناس رفاه و تامین اجتماعی در این رابطه می‌گوید: قیمت دارو مثل هر کالای دیگری، متاثر از قیمت ارز است. وقتی صحبت از حذف ارز ترجیحی دارو می‌کنند، از یکسو نهاده‌های دارو که وارداتی هستند گران می‌شود و از سوی دیگر، سرمایه در گردش تولیدکنندگان به مشکل برمی‌خورد. هر نوع تغییر نرخ برابری ارز، به بازار دارو و درمان شوک قیمتی وارد می‌کند. اگر تولیدکننده دارو قرار باشد مواد اولیه را با دلار ۱۳۰ هزار تومانی تهیه کند، تورم بسیار سنگینی به بازار دارو تحمیل خواهد شد. ضمن اینکه نیازها و تجهیزات کارخانجات دارویی نیز به قیمت ارز وابسته است و گرانی ارز موجب افزایش قیمت تمام‌شده و تحمیل تورم مضاعف به مصرف‌کننده می‌شود.

قیمت‌های تهاجمی در بازار سلامت

این کارشناس رفاهی با بیان اینکه قیمت داروهای با کیفیت خارجی نیز به شدت گران خواهد شد، اضافه می‌کند: ما با قیمت‌های تهاجمی در بازار دارو مواجه خواهیم شد؛ قیمت‌هایی که هیچ سنخیتی با پیش‌بینی‌ها نخواهد داشت. در این شرایط به بیمه‌گرها امیدی نیست. صندوق‌ها این گرانی‌ها را تاب نمی‌آورند و در نتیجه پرداخت از جیب مردم دو تا سه برابر می‌شود. توان اقتصادی مردم محدود است و برآیند دردناک این اوضاع این است که مزدبگیران از درمان فاصله می‌گیرند، درمان را متوقف می‌کنند و به انتظار تقدیر می‌نشینند، به انتظار مرگ که خوانده و ناخوانده از راه می‌رسد.

او تاکید می‌کند: این سرنوشت محتوم همه مزدبگیران، بدون استثناست. آینده درمان همه مزدبگیران فوق‌العاده تیره است. متوسط حقوق بازنشستگان صندوق‌های بازنشستگی مختلف چیزی حدود ۲۰ میلیون تومان و حتی کمتر است، پس خیلی سخت نیست بفهمیم گرانی بیشتر دارو چه بلایی بر سر این گروه می‌آورد.

صندوق‌های بازنشستگی در وضعیت شکننده و بحرانی و در آستانه ورشکستگی جدی هستند و مردم توان اقتصادی ندارند و نمی‌توانند برای درمان از جیب هزینه کنند. در این وانفسا، با آزادسازی کامل دارو و درمان، چند هزار خانواده باید شاهد مرگ عزیزان‌شان باشند، چند هزار خانواده باید با دست‌های بسته در معرض نابودی و ویرانی بنشینند و فقط حسرت بکشند؟!

گفت و گو

یک فعال صنفی:

دستمزد واقعی باید کفاف اداره یک زندگی را بدهد

یک فعال کارگری معتقد است: حقوق و دستمزدها باید به گونه‌ای تعریف و تعیین شود که ضمن بهبود معیشت، به افراد قدرت خرید و اداره زندگی بدهد.

ناصر چمنی در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به فاصله بین حداقل دستمزد و هزینه‌های معیشت کارگران اظهار کرد: در حال حاضر دستمزد دریافتی کارگران کفاف هزینه‌های زندگی را نمی‌دهد و این مسأله موجب کاهش قدرت خرید کارگران شده است. از طرفی با توجه به عدم کنترل و مهار تورم دستمزد قادر به پوشش هرینه‌های زندگی خانوارهای کارگری نیست و این مسأله معیشت آنها را دچار مشکل کرده است.

وی با بیان اینکه بسیاری از کارگران برای گذران زندگی به شغل دوم روی آورده‌اند، افزود: بخش اعظمی از دریافتی کارگران صرف اجاره بها می‌شود و دستمزد در ماه‌های اول تأثیرگذاری خود را بر سفره معاش کارگران از دست می‌دهد لذا تا زمانی که مطابق با هزینه‌های واقعی سبد معیشت برای کارگران مزد تعیین نشود، قادر به تأمین هزینه‌های زندگی نخواهند بود.

این فعال کارگری ادامه داد: تورم به تنهایی معیار تعیین دستمزد نیست و باید مبنای اصلی تعیین حقوق هزینه‌های سبد معیشت باشد.

وی با اشاره به عقب‌ماندگی مزدی کارگران از سال‌های گذشته بر لزوم جبران این شکاف به شکل پلکانی تاکید کرد و گفت: باید هر سال دستمزدها درصدی بیشتر از نرخ تورم تعیین شود تا خلأ عقب‌ماندگی و شکاف بین دستمزد حداقلی و هزینه‌های معیشت جبران شود.

چمنی با اشاره به افزایش چندباره دستمزد در برخی کشورها گفت: سال گذشته دستمزدها در ترکیه ۳ بار افزایش پیدا کرد تا بر مردم فشار وارد نشود. در بیشتر کشورها سازوکاری برای به‌روزرسانی دستمزد وجود دارد تا از فشار تورم بر زندگی طبقات مختلف جامعه کاسته شود، بنابراین حقوق و دستمزدها باید به گونه‌ای تعریف و تعیین شود که ضمن بهبود معیشت به افراد قدرت خرید و اداره زندگی بدهد. این کارشناس بازار کار در بخش دیگر صحبت‌های خود با اشاره به آثار و پیامدهای زیان‌بار چالش بیکاری بر ضرورت فراهم کردن بستر اشتغال و کارآفرینی در کشور تاکید کرد و گفت: آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ابزاری مهم برای تربیت نیروی انسانی است و با ارائه مهارت‌های لازم، افراد برای ورود به دنیای کسب و کار آماده می‌شوند.

به گفته چمنی، آمار بیکاری دانش‌آموختگان بالاست و متاسفانه بیشتر فارغ‌التحصیلان بعد از آنکه سال‌ها در دانشگاه به فراگیری علم و دانش می‌پردازند بدون آنکه تسلطی به مهارت‌های مرتبط با رشته دانشگاهی داشته باشند وارد بازار کار شده و از یافتن شغل مناسب ناامید می‌شوند.

وی بر لزوم همخوانی رشته‌های دانشگاهی با نیاز بازار کار تاکید کرده و افزود: در حال حاضر با محدودیت استخدام در دستگاه‌ها مواجهیم و همه فارغ‌التحصیلان امکان پشت‌میزنشینی ندارند لذا دانشجویان در دانشگاه‌ها باید افرادی خلاق و ماهر و نیروهایی کارآفرین تربیت و به صنایع و بنگاه‌ها معرفی شوند.

نماینده کارگران:

نشست کمیته مزد به هفته بعد موکول شد

سومین نشست کمیته مزد به هفته بعد موکول شد. «محمدرضا تاجیک» نماینده کارگران در کمیته مزد در گفت‌وگو با تسنیم از لغو جلسه روز دوشنبه (امروز) کمیته مزد خبر داد و گفت: قرار بود جلسه امروز تشکیل شود که به دلیل تعطیلی‌ها، معاونت کار نتوانست هماهنگ کند و جلسه لغو شد.

وی ادامه داد: برای محاسبه سبد معیشت باید به تورم روز دسترسی داشته باشیم. اجرای طرح حذف ارز ترجیحی در دی ماه انجام شد و به همین دلیل منتظر اعلام نرخ تورم دی ماه از سوی مرکز آمار هستیم تا هزینه سبد را محاسبه کنیم.

تاجیک بیان کرد: نرخ هزینه معاش در اسفند ماه با تورم بهمن ماه هم به روز می‌شود. امسال سال سختی برای تعیین دستمزد داریم. این عضو کمیته مزد گفت: عقب‌ماندگی مزدی کارگران امسال چشمگیرتر از سال‌های قبل است. دستمزد باید به گونه‌ای محاسبه شود که کارگران بتوانند زندگی روزمره داشته باشند. وی ادامه داد: افزایش هزینه درمان، بهداشت، کالاهای اساسی، آموزش و... زندگی را برای کارگران سخت کرده است. تاجیک درباره جلسه بعدی کمیته مزد گفت: فکر می‌کنم جلسه دوشنبه هفته بعد تشکیل شود. شاید تا آن موقع نرخ تورم رسمی از سوی مرکز آمار اعلام و ما هم راحت‌تر بتوانیم هزینه سبد را محاسبه کنیم.

آنلاین

بازیکن سرباز ملوان حالا به سوژه‌ای داغ در فوتبال ایران تبدیل شده است

داستان یک رای

آریا طاری

در دنیای استانداردهای فیفا، فوتبال یک پدیده ۹۰ دقیقه‌ای است که با سوت داور آغاز و با همان سوت به بایگانی تاریخ سپرده می‌شود. اما در جغرافیای فوتبال ایران، سوت پایان داور، تازه آغاز نیمه سوم است؛ نیمه‌ای که نه در مستطیل سبز، بلکه در راهروهای تاریک و پشت درهای بسته کمیته‌هایی رقم می‌خورد که خروجی‌شان نه هیجان، بلکه سردرگمی و خشم است. ماجرای سینا خادم‌پور و بازی‌های ملوان مقابل استقلال و تراکتور، حالا دیگر یک پرونده حقوقی ساده نیست؛ این آینه تمام‌نمای تشکیلاتی است که در آن کارت بازی به اندازه یک برگه کاغذ باطله هم اعتبار ندارد.

سوال بزرگی که امروز ذهن هر پیگیر فوتبالی را به خود مشغول کرده، این است؛ چرا ملوان تازه حالا، پس از صدور حکم سنگین کمیته انضباطی، به تکاپو افتاده و دنبال مدرک می‌دود؟ پاسخ به این سوال، تلخ‌تر از خود جریمه است. باشگاه‌های ما، حتی آنهایی که ریشه در تاریخ دارند، هنوز در عصر آماتوریسم سنتی سیر می‌کنند. مدیریت در این باشگاه‌ها نه بر پایه پیش‌بینی بحران، بلکه بر مدار «چیزی نمی‌شود» می‌چرخد.

ملوان مدعی است که سازمان لیگ برای بازیکنش کارت صادر کرده بود. این استدلال در نگاه اول منطقی به نظر می‌رسد، اما برای باشگاهی که می‌خواهد در سطح حرفه‌ای فعالیت کند، یک فاجعه مدیریتی است. چطور ممکن است باشگاهی از وضعیت نظام وظیفه بازیکن کلیدی خود بی‌خبر باشد و صرفا به یک استعلام دم‌دستی اکتفا کند؟ ملوانی‌ها زمانی به دنبال مدرک رفتند که تبر قانون به ریشه امتیازات‌شان خورد. این یعنی مدیریت واکنشی؛ مدیریتی که تا وقتی فاجعه رخ ندهد، نیازی به شفافیت نمی‌بیند. آنها در مرحله انضباطی با اعتماد به‌نفسی کاذب شرکت کردند و تصور داشتند چون کارت بازی دارند، رویین‌تن هستند، غافل از اینکه در فوتبال ایران، کارت بازی فقط یک اجازه موقت است که هر لحظه ممکن است با یک شکایت دقیق، باطل شود.

اما اگر بخواهیم منصفانه و بانگاهی تند به ماجرا بنگریم، نوک پیکان انتقاد پیش از ملوان، باید قلب سازمان لیگ را نشانه برود. چرا همان موقع مدارک را نخواستند؟ این پرسشی است که اعتبار کل لیگ برتر را زیر سوال می‌برد. وظیفه سازمان لیگ چیست اگر قرار نباشد صحت مدارک یک بازیکن را پیش از صدور مجوز بازی تایید کند؟

سیستم صدور کارت در فوتبال ایران به یک اپراتور ساده تقلیل یافته است. آنها مدارک را تحویل می‌گیرند، در سیستم ثبت می‌کنند و کارت صادر می‌کنند، بدون اینکه کوچک‌ترین زحمتی برای استعلام بر خط و لحظه‌ای از سازمان نظام وظیفه به خود بدهند. در عصر دیجیتال، اینکه یک بازیکن با وضعیت غیبت یا فرار از خدمت بتواند هفته‌ها در لیگ برتر بازی کند، چیزی جز یک رسوایی تشکیلاتی نیست. سازمان لیگ با صادر کردن آن کارت، در واقع به ملوان آدرس غلط داد و حالا با کسر امتیازات، به نوعی به اشتباه خود اعتراف کرده است، اما هزینه این اشتباه را هوادارانی می‌دهند که باید هر روز جدول را چک کنند تا ببینند آیا تیم‌شان هنوز در همان رده قبلی هست یا نه.

سیستم صدور کارت در فوتبال ایران به یک اپراتور ساده تقلیل یافته است. آنها مدارک را تحویل می‌گیرند، در سیستم ثبت می‌کنند و کارت صادر می‌کنند، بدون اینکه کوچک‌ترین زحمتی برای استعلام بر خط و لحظه‌ای از سازمان نظام وظیفه به خود بدهند

در این میان، استقلال و تراکتور به عنوان شاکیان پرونده، طبق قانون عمل کردند. آنها از خلأ قانونی و ضعف نظارتی رقیب استفاده کردند تا امتیازاتی را که در زمین مسابقه به دست نیاورده بودند، در سبد خود ببینند. اما جنجال اصلی از جایی شروع شد که سازمان لیگ در پایان هفته هفدهم، ناگهان امتیازات را برگرداند. این حرکت، نماد بارز تزلزل در تصمیم‌گیری است.

اگر حکم کمیته انضباطی قطعی بود، چرا سازمان لیگ جرات نکرد آن را در جدول نهایی اعمال کند؟ و اگر حکم قرار است در کمیته استیناف بشکند، چرا از همان ابتدا با آبروی لیگ بازی شد؟ این رفتارهای سینوسی باعث شده تا شائبه مهندسی جدول یا فشار از بالا بیش از هر زمان دیگری شنیده شود. وقتی جدول لیگ در یک روز تغییر می‌کند و روز دیگر به حالت قبل برمی‌گردد، یعنی ما با یک لیگ موقت روبه‌رو هستیم که نتایجش تا اطلاع ثانوی اعتبار ندارد. این موضوع ضربه مهلکی به روح رقابت و انگیزه بازیکنان می‌زند. بازیکن استقلال یا تراکتور اکنون با چه ذهنیتی وارد زمین شود؟ اینکه شاید امتیازاتی که امروز می‌گیرد، فردا با یک فکس از اعتبار بیفتد؟

حالا توپ در زمین کمیته استیناف است. ورود استیناف به این پرونده، آخرین پرده از این نمایش کمدی-تراژیک است. ملوان حالا با پوشه‌ای از مدارک جدید (که ادعا می‌کند تاییدیه‌های دیرهنگام مراجع نظامی است) به میدان آمده. سوالی که باید پرسید این است؛ اگر این مدارک وجود داشت، چرا در مرحله اول ارائه نشد؟ و اگر این مدارک جدید اخلق شده‌اند، کمیته استیناف چگونه می‌خواهد اعتبار آنها را تأیید کند؟

ترس بزرگ اینجاست که کمیته استیناف به جای عدالت حقوقی، به سراغ مصلحت اجتماعی برود. شکستن حکم انضباطی به نفع ملوان، یعنی اعتراف رسمی به اینکه کمیته قبلی اشتباه کرده و سازمان لیگ در صدور کارت مقصر بوده است. از سوی دیگر، تایید حکم، یعنی پذیرش اینکه لیگ ما تا هفته‌ها با بازیکن غیرمجاز اداره شده است. در هر دو صورت، بازنده اصلی اعتبار فوتبال ایران است.

این پرونده به وضوح نشان داد که هیچ ارتباط معنادار و سیستماتیکی بین فدراسیون فوتبال، سازمان لیگ و مراجع ذی‌صلاح مانند نظام وظیفه وجود ندارد. در حالی که در لیگ‌های معتبر دنیا، وضعیت قرارداد و مجوزهای قانونی بازیکن در صدم ثانیه قابل استعلام است، اینجا در ایران باید هفته‌ها بگذرد تا یک باشگاه رقیب باذره‌بین به دنبال پیدا کردن یک غیبت سر بازی باشد.

چرا سازمان لیگ از همان روز اول مدارک دقیق و استعلام مستقیم را نخواست؟ پاسخ ساده است؛ چون سهل‌انگاری در تمام سطوح نهادینه شده است. آنها نمی‌خواستند روند ثبت‌نام را سخت کنند، اما با این کار، بمب ساعتی‌ای را فعال کردند که در حساس‌ترین مقطع فصل منفجر شد.

ماجرای امتیازات ملوان، استقلال و تراکتور، لکه ننگی بر دامن حرفه‌ای‌گری در فوتبال ایران است. این یادداشت اعتراضی است به ساختاری که در آن متخصصان دور زدن قانون، موفق‌تر از ستاره‌های داخل زمین هستند. اینکه چرا ملوان بعد از رای دنبال مدرک رفت، نشانه آماتور بودن باشگاه است؛ اینکه چرا سازمان لیگ مدارک را نخواست، نشانه ناکارآمدی نهاد برگزارکننده است؛ و اینکه چرا اکنون امتیازات برگشت خورده، نشانه ترس از تبعات عدالتی است که خودشان وضع کرده‌اند.

امروز فوتبال ایران بیش از آنکه به تکنولوژی VAR برای تشخیص آفساید نیاز داشته باشد، به یک سیستم یکپارچه اداری نیاز دارد تا تکلیف هوادار را با جدول لیگ روشن کند. تا زمانی که سرنوشت قهرمانی و سقوط در اتاق‌های دربسته تعیین می‌شود، صحبت از فوتبال حرفه‌ای شوخی تلخی بیش نیست. این پرونده تا انتهای فصل مثل یک استخوان در گلو باقی خواهد ماند و هر تیمی که در نهایت قهرمان شود یا سقوط کند، همیشه این سایه را بالای سر خود خواهد دید که اگر آن امتیازات کاغذی نبود، سرنوشت طور دیگری رقم می‌خورد.

این جنجالی‌ترین سوژه فصل است، چون به ما یادآوری می‌کند که در ایران، هنوز هم قلم قاضی تیزتر از پای مهاجم است و این، مرگ تدریجی هیجان در فوتبال است.